

## ذبح میان دورود

۹ شهریور ۱۳۹۵ ساعت ۸:۲۳

رقابت بین کشورهای مختلف برای دستیابی به کاوش‌های باستان‌شناسی در بین‌النهرین از دهه ۱۸۵۰ تا شروع جنگ جهانی اول توضیح داده شده است انگلیسی‌ای به نام هنری اوستن لایارد (۱۸۹۴-۱۸۱۷) کاوش‌هایی را در نمرود در نیمه دوم دهه ۱۸۴۰ آغاز کرد. لایارد بسیار خوش شانس بود و بلافاصله انبوهی از آثار باستانی از جمله «لوح سیاه» را پیدا کرد. یافته‌ها در سال ۱۸۵۰ به انگلستان منتقل شد و در سال ۱۸۵۳ موزه بریتانیا با افتتاح گالری نینوا یافته‌های لایارد را به نمایش گذاشت.

جوان و تاریخ - کافه هنر



رقابت بین کشورهای مختلف برای دستیابی به کاوش‌های باستان‌شناسی در بین‌النهرین از دهه ۱۸۵۰ تا شروع جنگ جهانی اول توضیح داده شده است انگلیسی‌ای به نام هنری اوستن لایارد (۱۸۹۴-۱۸۱۷) کاوش‌هایی را در نمرود در نیمه دوم دهه ۱۸۴۰ آغاز کرد. لایارد بسیار خوش شانس بود و بلافاصله انبوهی از آثار باستانی از جمله «لوح سیاه» را پیدا کرد. یافته‌ها در سال ۱۸۵۰ به

انگلستان منتقل شد و در سال ۱۸۵۳ موزه بریتانیا با افتتاح گالری نینوا یافته‌های لایارد را به نمایش گذاشت. در سال ۱۸۴۹ لایارد کتابی به نام نینوا و بقایای آن منتشر کرد که طرفداران زیادی پیدا کرد. در سفرهای بعدی، لایارد یافته‌های بیشتری پیدا کرد، از جمله کتابخانه آشور بانی پال را. این یافته‌ها به موزه بریتانیا منتقل شد. فرانسوی‌ها نیز برای این که از قافله عقب نمانند، در سال ۱۸۴۰ پاول امیلی بوترا را به عنوان کنسول در بین‌النهرین انتخاب و در شهر موصل مستقر کردند. «کنسول» انبوهی از آثار باستانی را که در کاوش‌هایش یافته بود به فرانسه منتقل کرد. کمی بعد، آمریکاییها نیز وارد ماجرا شدند. در سال‌های ۱۸۴۲ و ۱۸۴۳ ادوارد رابینسون انجمن شرق‌شناسی آمریکا را بنیان نهاد. تلاش آمریکا در زمینه باستان‌شناسی بین‌النهرین در نیمه دوم قرن نوزدهم شتاب بیشتری یافت. پس از جنگ‌های داخلی، صندوق کاوش فلسطین بنا نهاده شد و در سال ۱۸۷۹ چارلز الیوت نورتون از هاروارد مؤسسه باستان‌شناسی آمریکا را تأسیس کرد. در ۱۸۸۶ کشیشی از کلیسای اسقفی به نام جان پونت پیترز به تأسیس صندوق کاوش بابل - که بعدها در ارتباط نزدیک با دانشگاه پنسیلوانیا بود کمک کرد. توصیف برناردسون از اولین کاوش دانشگاه پنسیلوانیا - در خاور نزدیک در دهه ۱۸۸۰ نشان می‌دهد که با ورود دانشگاه پنسیلوانیا به عرصه باستان‌شناسی ایران در دهه ۱۹۳۰ اوضاع کمی تغییر کرد. از همان ابتدا صندوق‌های زیادی از آمریکاییها حمایت می‌کردند؛ ولی «حمایت‌های دولتی یا دیپلماتیک چندانی در کار نبود. همان‌گونه که در این کتاب توضیح داده شده است در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ شرایط تغییر کرد و دولت آمریکا حمایت از کاوش‌های باستان‌شناسی را آغاز کرد. تأسیس دانشگاه شیکاگو و سرمایه‌گذاری بنیاد شرق‌شناسی راکفلر در قبل از دهه ۱۹۲۰ نقش اساسی در باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین و مصر ایفا کرد. در پاییز ۱۹۱۸ گروهی امدادگر از آمریکا به ایران آمدند تا به قربانیان قحطی بزرگ سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۱۷ کمک کنند. گروه امداد به رهبری هری پرت جودسون رئیس دانشگاه شیکاگو از بین‌النهرین بازدید و در راه بازگشت به آمریکا در بغداد توقف کردند. فرمانده نیروهای اشغالگر انگلستان در بین‌النهرین سرلشکر ویلیام مارشال این پیغام را به لندن مخابره کرد که هدف واقعی آمریکاییها از بازدید ایران کمک به قحطی‌زدگان نبوده بلکه تلاش برای دستیابی به امتیاز نفتی بوده است. با در نظر گرفتن رابطه جودسون با بنیاد راکفلر و شرکت استاندارد اوایل، سوءظن انگلیسی‌ها قابل درک است. به نظر می‌رسد جستجو برای دستیابی به آثار باستانی به جای نفت انگیزه قوی‌تری برای سفر جودسون بوده است. کمی بعد از بازگشت جودسون به آمریکا جان دی. راکفلر پسر، بنیاد شرق‌شناسی را در سال ۱۹۱۹ بنا نهاد؛ که در این کتاب بارها از این بنیاد یاد خواهد شد. در سال ۱۹۰۰ آلمانی‌ها مجدانه مشغول باستان‌شناسی در بین‌النهرین شدند. یکی از افراد مهم در این زمینه ارنست هرتسفلد بود که در این کتاب بارها به او اشاره خواهیم کرد. در سال ۱۸۹۹ آلمان مخفیانه موافقت‌نامه‌ای با ترکیه عثمانی امضا کرد که بر اساس آن، یافته‌های آلمان‌ها در ترکیه به طور مساوی با دولت ترکیه تقسیم می‌شد. از سال ۱۸۹۷ آلمانی‌ها به دنبال گرفتن امتیاز انحصاری آثار باستانی بین‌النهرین مانند امتیاز اعطا شده به فرانسویان در ایران بودند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۸۳۵/دورود-میان-ذبح/۲۱۸۳۵>